

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلٰوةُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سر الصلاة امام خمینی قدس سره ۴

توفیق رسیدن به **حلاوت ذکر**: « خداوندا ما را ... و به حلاوت ذکر ارباب هدایت فائز آییم » در قرآن می‌خوانیم « **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا** » (احزاب / ۴۱) « ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید. و در جای دیگر می‌فرماید: « **فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ** » (نساء / ۱۰۳). آن گاه که از نماز فراغت یافتید، باز در همه احوال ایستاده و نشسته و بر پهلو خدا را یاد کنید.»

سر رشته دولت ای برادر به کف آر **وین عمر گرامی به خسارت مگذار!**
دائم همه جا، با همه کس، در همه کار **می‌دار نهفته چشم دل جانب یار!**
علی علیه السلام فرمود: «**الذِّكْرُ ذِكْرَانِ: ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ وَافْضَلَ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرَ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ حَاجِزًا**؛ ذکر بر دو گونه است: یاد خدا کردن هنگام مصیبت (و شکیبایی و استقامت ورزیدن) و از آن برتر این است که خدا را در برابر محرمات یاد کند و میان او و حرام سدّی ایجاد کند». [بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۶۴]. در برخی روایات، ذکر خداوند سپر و وسیله دفاعی شمرده شده؛ امام صادق علیه السلام فرمود که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله رو به یارانش کرد و فرمود: «**اتَّخِذُوا جُنَّةً فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ أَظْلَمْنَا؟ قَالَ لَا وَلَكِنَّ مِنَ النَّارِ، قُولُوا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**؛ سپرهایی برای خود فراهم سازید. عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا در برابر دشمنان که اطراف ما را احاطه کرده و بر ما سایه افکنده اند؟ فرمود: نه، از آتش (دوزخ)؛ بگویید: سبحان الله والحمد لله، خدا را به پاکی بستابید و بر نعمت هایش شکر گوید و غیر از او معبودی انتخاب نکنید و او را از همه چیز برتر بدانید». [تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۹ سوره رعد].

ای دل اگر ترا سراین راهست **و اندر سر تو هوای این درگاهست**
مفتاح فتوح اهل حق دانی چیست **خوش گفتن لا اله الا الله است**
در کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «**مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرُ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ...**» (کافی: ۱/۴۹۸/۲) هر چیزی حدّی دارد که وقتی به آن رسد پایان می‌پذیرد جز ذکر خدا که حدّی برای پایان آن وجود ندارد سپس افزود: خداوند نمازهای فریضه را واجب کرده است، هر

کس آنها را ادا کند حدّ آن تأمین شده، ماه مبارک رمضان را هر کس روزه بگیرد حدّش انجام گردیده و حج را هر کس (یک بار) به جا آورد همان حدّ اوست، جز ذکر خدا که خداوند به اندک آن راضی نشده و برای فزونی آن حدّی قائل نگردیده، سپس به عنوان شاهد سخن این آیه را تلاوت فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا** - ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید».

تا چو بینی روی خود یادم کنی

نیستی بگزین گر ابله نیستی

آینه آوردمت ای روشنی

آینه هستی چه باشد نیستی

امام صادق علیه السلام در ذیل همین روایت از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می کند که «او کثیرالذکر بود و هرگاه با او راه می رفتم ذکر خدا می گفت و هنگام غذا خوردن نیز به ذکر خدا مشغول بود، حتّی وقتی بامردم سخن می گفت از ذکر خدا غافل نمی شد». سرانجام با این جمله پرمعنی حدیث مزبور پایان می پذیرد: **«وَالْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنَ وَيَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ...»** خانه ای که در آن تلاوت قرآن شود و خدا یاد شود برکتش افزون خواهد شد، فرشتگان در آن حضور می یابند و شیاطین از آن فرار می کنند و برای اهل آسمان ها می درخشد همان گونه که ستاره درخشان برای اهل زمین». [کافی، ج ۲، ص ۴۹۸]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **«مَنْ اعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ اعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»** آن که خدا زبانی به او داده که به ذکر پروردگار مشغول است، خیر دنیا و آخرت به او داده شده». [کافی، ج ۲، ص ۴۹۹].

هر که یاد روی تو کردم جوان شدم

هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم

در حدیث می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **«بَادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ»** به سوی باغ های بهشت بشتابید» یاران عرض کردند: **«وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟»** باغ های بهشت چیست؟» فرمود: **«حَلَقُ الذِّكْرِ»** مجالس ذکر است» [بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۶، ح ۲۰]. البته منظور جلساتی است که در آن علوم اسلامی احیا شود و بحث های آموزنده و تربیت کننده مطرح گردد، انسان ها در آن ساخته و گناهکاران پاک شوند و در صراط مستقیم قرار گیرند. [تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۵ سوره احزاب] در حدیث از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله تفسیر «مقالید» را پرسیدم، فرمود: «ای علی، از کلیدهای بزرگی پرسیدی و آن این است که هر صبح و شام ده بار این جمله ها را تکرار کنی: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (هُوَ) الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ (يَحْيَى وَيَمِثُّ) يَبْدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»**. سپس افزود: «کسی که هر صبح و شام ده بار این کلمات را تکرار کند خداوند شش پاداش به او می دهد که یکی از آنها را این می شمارد که خداوند او را از شیطان و لشکر شیطان

حفظ می کند تا سلطه ای بر او نداشته باشند». در روایت آمده است که دشمنان اسلام، فرزند عوف بن مالک، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را اسیر کردند. او به حضور حضرت آمد و از این ماجرا و فقر و تنگدستی شکایت کرد. حضرت فرمود: تقوا پیشه کن و شکبیا باش و بسیار ذکر **لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ** را بگو. عوف چنین کرد، ناگهان در حالی که در خانه اش نشسته بود فرزندش آمد. وی از غفلت دشمن استفاده کرده و گریخته بود و حتی شتری را از دشمن با خود آورده بود. [مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۳] امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ وَمَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ...» هر که حقیقتاً و از صمیم قلب به یاد خدا باشد او بنده مطیع خداست. و هر که در جریان امور و حالات خود از خدا غافل باشد او بنده عاصی است و اطاعت خدا علامت هدایت پیدا کردن و معصیت، علامت گمراهی است و اصل و ریشه اطاعت و معصیت، ذکر پروردگار متعال و غفلت از اوست». [بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۸] در توضیح این حدیث می توان گفت: ذکر مراتبی دارد که اولین مرتبه از مراتب آن، ذکر لفظی و لسانی است. مرتبه دوم ذکر معنوی است یعنی، به معنای الفاظ هم توجه کردن. مرتبه سوم، ذکر قلبی است. یعنی توجه از دل بجوشد و حتما لازم نیست به زبان جاری شود؛ چراکه در بعضی اوقات، سکوت بهترین وسیله برای معطوف گردانیدن دل به آستان قدس الهی است. مرتبه چهارم که مخصوص بندگان خاص خداست، یاد کردن خدا در تمامی احوال است. برای اولیاء خدا حتی یک لحظه غفلت از یاد خدا هم گناه محسوب می شود آنان در پیشگاه الهی دائم الحضورند و اگر لحظه ای از این حضور غفلت ورزند مرتکب گناه شده اند از اینجا می توان دریافت که مفهوم گناه برای بندگان خاص خدا غیر از مفهوم آن برای افراد عادی است.

دل که بی یاد خدا شد دل نیست گوریست سرد **ای عزیزان این شما را آخرین پند است و بس**
خلاصی از تعلقات قلبیه و شیطاین راه سلوک: «خداوندا ما را ... و تعلقات قلبیه ما را از غیر صرف و به خود مصروف دار و چشم ما را از اغیار که شیطاین راه سلوکند بیوش و به جمال جمیل خود روشنی بخش. اِنَّكَ وَلِيُّ الْهِدَايَةِ وَ التَّوْفِيقِ.» در قرآن می خوانیم: «**وَ اذْكُرْ رُبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْاَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ. اِنَّ الَّذِینَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا یَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ یُسَبِّحُوْهُ وَ لَهُ یَسْجُدُونَ**» (اعراف/ ۲۰۶ و ۲۰۵). «پروردگار خویش را به تضرع و بیم و با صدای غیر بلند در بامداران و شامگاهان یاد کن و از غفلت زدگان مباش زیرا کسانی که نزد پروردگار تواند از بندگی وی سربیزی نکنند و تسبیح او گویند و سجده او کنند». در دعای معروف امام سجاد علیه السلام (دعای ابو حمزه ثمالی) می خوانیم: «**وانک لا تحتجب عن خلقک الا ان تحبهم الاعمال دونک**؛ تو هرگز از مخلوقات خود پنهان نیستی مگر این که اعمال آنها حجابی در

برابر تو گردد! « و مهمترین این حجابها، «خودپرستی» است که انسان را از «خداپرستی» و ذکر الله باز می دارد. با مروری کوتاه بر زندگانی معصومین خواهیم یافت، پیامبر اسلام (ص) با وجود مسئولیت های طاقت فرسائی که برعهده داشتند و لحظه ای از تحمل بار سنگین آنها فراغت حاصل نمی کرد، روزها سنگ بر شکم می بست تا گرسنگی را کمتر احساس کنند و شب، بنا به تصریح قرآن دو سوم یا نصف یا حداقل ثلث آن را به نماز می ایستادند و به عبادت می پرداختند تا آنجا که پاهایشان ورم کرده بود. اما با مروری بر احوال غیر معصومین علیهم السلام درمی یابیم که برای آنها ذکر لفظی غالباً موانع چندان مهمی برسر راه ندارد، مگر این که آن قدر غرق دنیا شوند که حتی مجال برای ذکر لفظی باقی نماند. ولی ذکر قلبی و معنوی موانع زیادی بر سر راه دارد، از جمله نداشتن نگاه توحیدی و دیگر اعمالی که مانع ذکر خداست؛ با این که خداوند همه جا حاضر و ناظر است، و از ما به ما نزدیکتر می باشد (و نحن اقرب الیه من حبل الوريد) (ق/۱۶) و قبل از هر چیز و بعد از هر چیز او می باشد، و همراه همه چیز است، به طوری که مولای متقیان علی (ع) فرمود: «ما رایت شیئاً الا ورايت الله قبله و بعده ومعه؛ چیزی را ندیدم مگر این که خدا را قبل از آن؛ و بعد از آن؛ و همراه آن دیدم!» (علم الیقین ۱: ۴۹). ولی با این حال، بسیار می شود که انسان با غفلت شدید از یاد خدا و اعمال و صفات شیطانی، به وسیله حجب ضخیمی که در برابر چشمانش قرار می گیرد: هرگز حضور خود را در پیشگاه خدا احساس نمی کند؛ زیرا انسان خود بین، خدا بین نمی شود، و خود خواهی و خود بینی نوعی شرک است که با حقیقت توحید و حق بینی سازگار نیست!

اذکروا الله کار هر اوباش نیست

ارجعی بر پای هر قلاش نیست

لیک تو آیس مشو هم پیل باش

ورنه پیلی در پی تبدیل باش

مولا علی علیه السلام فرمود: «کل ما الهی من ذکر الله فهو من ابلیس؛ هر چیز انسان را از یاد خدا غافل سازد، از سوی شیطان است!» (میزان الحکمه، جلد ۲، ص ۹۷۵) و نیز فرمود: «کل ما الهی عن ذکر الله فهو من المیسر» هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل کند، نوعی قمار است! « (میزان الحکمه، جلد ۲، ص ۹۷۵) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تلکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله» (منافقون/۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان شما را از ذکر خدا غافل نسازد! « فرمود: «هم عباد من امتی الصالحون منهم، لا تلهمهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و عن الصلوة المفروضة الخمس؛ این مؤمنان، بندگان صالحی از امت من هستند که هیچ تجارت و معامله ای، آنها را از یاد خدا و نمازهای فریضه پنجگانه، غافل

نمی کند! « (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۷۵) یعنی کسانی که هر جا باشند و هر چه بگویند و هر چه بشنوند باز نظری به سوی خدا دارند.

یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود	دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود
راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک	بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود
در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز	چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود